

بینش اقتصادی برای همه

تشریح مفاهیم اقتصاد خرد به زبان ساده

با مقدمه‌ی از دکتر فرهاد نیلی

تألیف:

علی سرزعم



انتشارات ریم

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول: موضوع اقتصاد خرد	۱
مقدمه	۱
پرسش‌هایی برای اندیشیدن	۷
فصل دوم: مفهوم عقلانیت اقتصادی	۹
مقدمه	۹
اولین معنای عقلانیت اقتصادی	۱۰
دومین معنای عقلانیت اقتصادی	۱۲
سومین معنای عقلانیت اقتصادی	۱۵
امید ریاضی	۲۰
تنزیل آینده	۲۳
چهارمین معنای عقلانیت اقتصادی	۲۵
ارزیابی مجدد فرض عقلانیت اقتصادی	۲۶
پرسش‌هایی برای اندیشیدن	۳۱
فصل سوم: ترجیحات فردی و مبادله	۳۳
ترجیحات فردی	۳۳
علامت‌دهی و آشکارسازی ترجیحات	۳۶
مبادله	۴۰
ورود به یک مبادله	۴۰
هزینه مبادله	۴۱
هزینه جست‌وجو	۴۲
خروج از مبادله و قرارداد	۴۴
پرسش‌هایی برای اندیشیدن	۴۹
فصل چهارم: مطلوبیت فردی	۵۱
محدودیت بودجه	۵۱
کالاهای معمولی و کالاهای پست	۵۱
مطلوبیت	۵۳
گریزی به موضوع عدالت	۵۴

۱۲۰	مقدمه
۱۲۱	رقابت کامل
۱۲۴	انحصار
۱۲۶	نظریه شومپیتر در مورد رقابت خلاق
۱۲۷	انحصار چندجانبه
۱۲۹	رقابت انحصاری
۱۳۰	سیاست‌های ضدانحصار
۱۳۳	انحصارهای طبیعی
۱۳۴	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۱۳۶	فصل هشتم: نظریه بازی‌ها و رفتارهای استراتژیک
۱۳۶	مقدمه
۱۳۷	مفروضات نظریه بازی‌ها
۱۴۰	بازی اطلاعات کامل با اقدام‌های نوبتی
۱۴۷	بازی معمای زندانی
۱۵۳	بازی‌های تکرارشونده
۱۵۴	استراتژی ترکیبی
۱۵۶	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۱۵۸	فصل نهم: اثرات بیرونی
۱۵۸	مقدمه
۱۵۸	اثرات بیرونی
۱۶۰	درونی کردن اثرات بیرونی
۱۶۳	فاجعه منابع مشترک
۱۶۷	کارایی یا عدالت
۱۶۹	دیدگاه کوز
۱۷۴	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۱۷۶	فصل دهم: اقتصاد اطلاعات
۱۷۶	مقدمه
۱۷۶	عدم تقارن اطلاعاتی
۱۷۹	باز هم علامت‌دهی
۱۸۱	معضل کارگزار-کارفرما
۱۸۳	گزگزینی (دون‌گزینی)
۱۸۶	هزینه جست‌وجو

۵۵	ملاک تصمیم‌گیری جمعی
۶۰	مطلوبیت نهایی
۶۱	سطوح بی تفاوتی
۶۴	مطلوبیت انتظاری و قاعده تناسب ریسک و بازده
۶۸	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۷۰	فصل پنجم: تحلیل رفتار بنگاه
۷۰	سودآوری هدف بنگاه
۷۰	نهادهای تولید
۷۲	ساختار هزینه‌ها
۷۳	صرفه مقیاس
۷۶	هزینه نهایی و منحنی عرضه
۷۷	مازاد تولیدکننده
۷۸	هزینه‌های ریخته‌شده
۷۹	تولید نهایی
۸۰	اندازه بهینه کارکنان
۸۲	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۸۴	فصل ششم: نظریه قیمت و تقاضا
۸۴	مقدمه
۸۴	تمایل به پرداخت
۸۸	تقاضا
۹۲	کشش تقاضا
۹۳	کالاهای جانشین و کالاهای مکمل
۹۵	اثر درآمدی و اثر جانشینی
۹۷	رفاه مصرف‌کننده
۱۰۰	شکل‌گیری بازار
۱۰۵	کارکردهای قیمت
۱۰۵	اولین کارکرد قیمت: انتقال اطلاعات
۱۰۹	کارکرد دوم قیمت: آشکار کردن رجحان‌ها
۱۱۱	بازار سیاه
۱۱۳	دیگر تبعات مداخلات قیمتی دولت
۱۱۸	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۱۲۰	فصل هفتم: رقابت و انحصار

۲۳۸	مقدمه
۲۳۹	موضوع طراحی سازوکار
۲۴۰	چند مثال ساده از طراحی سازوکار
۲۴۲	گریزی به نهادگرایی
۲۴۴	سازوکار حراج
۲۴۵	معمولاً چهار روش برای برگزاری حراج وجود دارد:
۲۴۷	بازارهای جورسازی
۲۴۹	پایداری بازارهای جورسازی
۲۵۰	مثال پذیرش با تعویق
۲۵۳	کاربردهای جورسازی
۲۵۸	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۲۶۰	فصل پانزدهم: روان‌شناسی و اقتصاد
۲۶۰	مقدمه
۲۶۳	اقتصاد آزمونی
۲۶۶	اقتصاد رفتاری
۲۶۶	عقلانیت محدود
۲۶۷	سوگیری بی‌عملی
۲۶۸	پدرسالاری لیبرالی
۲۶۹	لنگرگیری و تعدیل
۲۷۱	نظریه چشم‌انداز
۲۷۳	دگرخواهی
۲۷۴	نابرابری‌گریزی
۲۷۵	جمع‌بندی
۲۷۸	لیست کتاب‌های پیشنهادی برای مطالعه بیشتر
۲۸۰	منابع

۱۸۷	کژمنشی
۱۹۰	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۱۹۲	فصل یازدهم: کالاهای عمومی
۱۹۲	مقدمه
۱۹۲	معیار رقابت‌پذیری در مصرف
۱۹۳	معیار قابلیت کنارگذاشتن
۱۹۵	ایجاد بازار خصوصی برای کالاهای عمومی
۱۹۷	تبعات عرضه عمومی کالاها و خدمات خصوصی
۲۰۰	تعیین سطح عرضه کالاهای عمومی
۲۰۱	پیامد عرضه عمومی کالاهای عمومی
۲۰۶	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۲۰۸	فصل دوازدهم: عدالت اجتماعی
۲۰۸	مقدمه
۲۰۹	بازتوزیع در جهان ایده‌آل: قضایای بنیادین رفاه
۲۱۰	آثار ضدانگیزشی مالیات
۲۱۲	شاخص فقر و نابرابری
۲۱۴	مقایسه فقر و نابرابری
۲۱۵	سیاست‌های مقابله با فقر
۲۱۸	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۲۲۰	فصل سیزدهم: دولت رفاه و شکست دولت
۲۲۰	مقدمه
۲۲۱	کارایی و برابری
۲۲۳	عرضه نقدی و کالایی کمک‌های دولتی
۲۲۴	عرضه دولتی یا خرید دولتی
۲۲۵	تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی
۲۲۷	آموزش
۲۲۹	شکست دولت
۲۳۲	رأی اکثریت
۲۳۶	پرسش‌هایی برای اندیشیدن
۲۳۸	فصل چهاردهم: طراحی سازوکار و طراحی بازار

موضوع اقتصاد خرد

مقدمه

وقتی سخن از علم اقتصاد به میان می‌آید، توده مردم تصور می‌کنند موضوع این علم، مطالعه تورم، نرخ بهره، رشد اقتصادی و مباحثی از این دست است. طبیعی است کسانی که به این موضوعات علاقه نداشته باشند دلیلی برای نزدیکی به اقتصاد نیابند. این در حالی است که مباحث مربوط به نرخ بهره، تورم و رشد اقتصادی در حوزه اقتصاد کلان قرار می‌گیرد و اقتصاد کلان تنها بخشی از علم اقتصاد است؛ به عبارت دیگر، بخش عمده علم اقتصاد به اقتصاد خرد و کاربردهای آن اختصاص دارد و بسیار محتمل است کسانی که به موضوعات اقتصاد کلان علاقه ندارند، مباحث بسیار جالبی در اقتصاد خرد بیابند. امروزه این گرایش در اقتصاد کلان نیز جا افتاده است که باید اقتصاد کلان بر اقتصاد خرد مبتنی شود؛ یعنی باید بتوان عملکرد کلان اقتصاد را از رفتار عاملان اقتصادی در سطح خرد (خانوارها و بنگاه‌های تولیدی و خدماتی) استنتاج کرد. لذا چندان بی‌پایه نیست اگر گفته شود پایه علم اقتصاد را اقتصاد خرد تشکیل می‌دهد.

اما موضوع اقتصاد خرد چیست؟ اقتصاد خرد به دنبال تحلیل رفتار عقلانی عاملان اقتصادی در مقام مصرف‌کننده و تولیدکننده است. انسان‌ها یا در مقام تولیدکننده‌اند یا در مقام مصرف‌کننده. در علم اقتصاد خرد به این موضوع پرداخته می‌شود که انسان‌ها چگونه می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های خود به شکل عقلانی^۱ رفتار کنند. به همین دلیل برخی رویکرد اقتصادی به موضوعات را رویکرد عقلانی نیز می‌نامند.

تعریف دیگری نیز برای اقتصاد خرد وجود دارد و آن علم مطالعه انگیزه‌هاست. وقتی شخصی کالایی می‌خرد یا یک بنگاه تولیدی تصمیم به تولید یک محصول می‌گیرد، در واقع انگیزه‌ای موجب شده است چنین رفتاری انجام دهد. اصطلاحاً محرک فرد یا بنگاه در انجام یک رفتار انگیزه^۱ می‌خوانند. علم اقتصاد خرد تلاش می‌کند چهارچوبی ارائه کند تا از طریق آن بتوان تحلیل کرد که با تغییر عوامل تصمیم‌گیری، انگیزه‌های افراد و به دنبال آن رفتار آن‌ها چگونه تغییر می‌کند مثلاً یارانه دادن به یک دارو چه تأثیری در انگیزه بیماران در استفاده از آن دارو دارد و وقتی این امر رفتار انسان‌های زیادی را تغییر دهد، چه تأثیری بر کل نظام درمان و هزینه‌های آن خواهد داشت. پرسشی که بی‌درنگ به ذهن متبادر می‌شود این است که برای رفتار عقلانی چه نیازی به اقتصاد خرد است؟ مگر نه آن است که عقلانی عمل کردن یعنی هزینه-فایده کردن و مگر نه این است که هر کس می‌تواند با اندکی مشورت در مورد هزینه و فایده هر اقدام، اطلاعات لازم را کسب و در نهایت در مورد صرفه یا عدم صرفه فواید آن بر هزینه‌ها تصمیم‌گیری کند؟ با وجود این، چر متخصصی به اسم اقتصاددان و رشته‌ای به نام اقتصاد وجود دارد؟ در ایران برخی پا را فراتر می‌گذارند و معتقدند اتفاقاً تصمیم‌گیری و مسئولیت بنگاه‌ها را نباید به اقتصاددانان واگذار کرد، بلکه باید مدیرانی را به کار گمارد که تجربه عملی در آن حوزه فعالیت دارند؛ مثلاً اگر قرار است وزیر آموزش و پرورش انتخاب شود، باید کسی بر سر کار بیاید که مدتی مدیر مدرسه باشد یا مدرسه غیرانتفاعی داشته باشد نه کسی که صرفاً اقتصاد آموزش و پرورش خوانده است، زیرا فرد اول اطلاعات ملموس و دقیقی از مسائل این حوزه دارد. به همین قیاس، برخی می‌گویند بهتر است کسی وزیر بهداشت شود که خود پزشک باشد و مدیریت یک بیمارستان را تجربه کرده باشد تا کسی که صرفاً اقتصاد بهداشت خوانده است، زیرا فرد اول شناخت عملی و عینی از هزینه‌ها و منافع یک تصمیم مرتبط با حوزه سلامت دارد.

پاسخ به این دیدگاه این است که مسئولیت بنگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی تا جایی که به امور مدیریتی برمی‌گردد می‌تواند به همه واگذار شود اما بسیاری از تحلیل‌های کارشناسانه از طریق علوم اجتماعی و خصوصاً دانش اقتصاد ایجاد می‌شود، زیرا وقتی مقیاس مسائل و موضوعات بزرگ می‌شود اندیشیدن نظام‌مند به یک موضوع و در نظر گرفتن همه جوانب آن کاری نیست که هوش و تجربه شخصی بتواند برای فرد به ارمغان آورد. مسائل اجتماعی آن قدر پیچیده می‌شود که شناخت ابعاد مختلف و تحلیل نظام‌مند آن‌ها منوط به آموزش یک زمینه علمی خاص است. برای

مثال، اقتصاد بهداشت به عنوان کاربرد اقتصاد خرد در حوزه بهداشت و سلامت به فرد آموزش می‌دهد که بهره‌مندان مختلف یک تصمیم چه کسانی هستند و هر کدام چگونه و چه قدر از یک سیاست خاص بهره‌مند یا متضرر می‌شوند. گاه بهره‌مندان یک موضوع در آینده ظاهر خواهند شد و ممکن است افراد عادی با شهود خود در تحلیل‌ها، فایده‌ها و هزینه‌های آن‌ها را لحاظ نکنند. دانش اقتصاد به طور عام و دانش اقتصاد خرد به طور خاص تلاش می‌کند چهارچوبی را فراهم کند تا هر کس به شکل جامع، نظام‌مند و منطقی در مورد یک مسئله اجتماعی بیندیشد.

این مثال را در نظر بگیرید. هیچ کس در مدیریت یخچال خانه مهارت خاصی را نیاز ندارد. کافی است هر شب نگاه کند که چه چیزی در حال اتمام است تا فردا آن را تهیه کند. گاه ممکن است دقیق نگاه نکند و موقع پخت غذا متوجه شود که تخم‌مرغ ندارد و مغازه‌های اطراف نیز تعطیل شده‌اند. در این موارد حداکثر زبانی که متوجه او می‌شود یک شب گرسنه ماندن یا غذای آماده خریدن است. به همین دلیل هیچ کس در مدیریت خانه به‌ویژه یخچال نیاز به شرکت در یک کلاس آموزشی ندارد. فقط کافی است فهمی متعارف را به کار گیرد. اما وقتی شما مدیر خط تولید یک کارخانه خودروسازی باشید، دیگر نمی‌توانید به فهم متعارف خود بسنده کنید و بگویید که انبار را صرفاً با نگاهی به موجودی آن مدیریت خواهید کرد. در این جا، مسئله هزاران قطعه مطرح است که اگر یک قطعه به‌موقع و به تعداد کافی در انبار موجود نباشد، خط تولید متوقف خواهد شد. شاید بتوان در مورد یخچال خانه، با یک تخمین سرانگشتی از میزان مصرف هفتگی دست به خرید مایحتاج زد و البته گاهی هم دچار مازاد یا کمبود شد، اما برای یک شرکت بزرگ خودروسازی انباشتن انبارها بیش از میزان موردنیاز هزینه مالی سرسام‌آوری دارد. کمبود قطعات نیز به توقف خط تولید می‌انجامد که آن هم هزینه‌زاست. بنابراین، یافتن مقدار بهینه سفارش‌دهی هر قطعه و زمان مناسب برای سفارش آن تخصصی است که صرفاً با آموزش انبارداری و استفاده از نرم‌افزار به‌دست می‌آید. خطاهای کوچک در انبارداری یک مجموعه بزرگ زیان‌های بزرگ به دنبال دارد. در مسائل اجتماعی و مدیریت نظام‌های اجتماعی هزینه‌ها شدیدتر است، زیرا انسان‌ها درگیر موضوع می‌شوند و ممکن است یک سیاست غلط موجب شود منابع زیادی هدر رود و حتی رنج و درد زیادی متوجه گروهی از انسان‌ها شود. لذا در مدیریت نظام‌های اجتماعی، گریزی از به‌کارگیری دانش اقتصاد خرد به عنوان شیوه‌ای از نگرش منسجم، همه‌جانبه‌نگر و منطقی وجود ندارد.

اقتصاددانان به این امر مباهات می‌کنند که منسجم‌ترین و سازگارترین نظام فکری بشر در حوزه علوم اجتماعی در اقتصاد خرد شکل گرفته و اقتصاد خرد توانسته است موفق‌ترین چهارچوب